

Quarterly of Communications Psychology



Predicting Men's Prejudice Against Women Based on the Maternal Parenting Authority Among University Students

Mansour Bayrami¹, Shermin Nasirkhani^{2•}, Amir Marof Sofian³

1. Professor Department of Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran.

2 •. M.Sc. Student in Rehabilitation Counseling, Department of Counseling, University of Rehabilitation Sciences and Social Health, Tehran, Iran.

3. M.Sc. in General Psychology, Department of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.



Home Page: <https://sanad.iau.ir/journal/cp>

URL: <https://sanad.iau.ir/Journal/cp/Article/1192268>

DOI: <https://doi.org/10.82548/ADD8-0H55>



Article Information

ABSTRACT

Article History:

Received; 2024/12/02

Accepted; 2025/01/28

Published; 2025/05/04

Article Type:

Research Paper

Subject Area:

Family and Communication

• Corresponding Author:

Shermin Nasirkhani

E-mail:

shermin.nasirkhani@yahoo.com

ORCID:

0009-0000-5258-2151

Prejudices are stereotypes and misconceptions that attribute specific roles, behaviors, and characteristics to different genders, which can lead to discrimination and social limitations. The goal of this research was to predict men's prejudices toward women based on parental authority among student. The research method was descriptive and correlational, and the population of the study consisted of all male students at Tabriz University during the academic year 2023-2024. Using random sampling, 206 individuals were selected as samples. The research tools included a parental authority questionnaire (1991) and a resistance to gender stereotypes questionnaire (2017). For data analysis, the SPSS26 software was utilized. The findings indicated that the authoritarian parenting style had a positive and significant relationship ($R=0.28$), while the authoritative parenting style had a negative and significant relationship ($R=0.33$) with the gender stereotypes that men apply against women. However, no relationship was found between the permissive parenting style and these stereotypes. According to the findings, the parenting style of mothers is a relatively favorable factor for predicting men's attitudes and prejudices toward women in the future.

Keywords: Maternal Parenting Authority, Men, Prejudice.

Cite this article : Bayrami, Mansour., Nasirkhani, Shermin., & Marouf Sofian, Amir. (2025). Predicting Men's Prejudice Against Women Based on the Maternal Parenting Authority Among University Students. Quarterly of Communications Psychology, 2(2). pp. 15-26. [In Persian] <https://doi.org/10.82548/ADD8-0H55>



© The Author(s).

Publisher: Islamic Azad University Press.

ISSN (Online): 3092-6440

   			
پیش بینی پیش داوری های مردان نسبت به زنان براساس اقتدار والدینی مادران در دانشجویان			
منصور بیرامی ^۱ ، شرمین نصیرخانی ^{۲*} ، امیر معروف صوفیان ^۳			
۱. استاد تمام گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، گروه مشاوره، دانشکده علوم رفتاری، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران. ۳. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.			
 		Home Page: https://sanad.iau.ir/journal/cp URL: https://sanad.iau.ir/Journal/cp/Article/1192268 DOI: https://doi.org/10.82548/ADD8-0H55	
اطلاعات مقاله		چکیده	
تاریخ های مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴		پیش داوری ها، باورهای کلیشه‌ای و نادرستی هستند که نقش‌ها، رفتارها و ویژگی‌های خاصی را به جنسیت‌های مختلف نسبت می‌دهند و می‌توانند منجر به تبعیض و محدودیت‌های اجتماعی شوند. هدف این پژوهش پیش بینی پیش‌داوری های مردان نسبت به زنان براساس اقتدار والدینی در دانشجویان بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه پژوهش را تمامی دانشجویان پسر دانشگاه تبریز در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تشکیل دادند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، ۲۰۶ نفر به روش کلان به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه اقتدار والدینی (۱۹۹۱) و پرسشنامه مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی (۱۳۹۵) بود. برای تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزارهای Spss26 استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد، سبک والدگری مستبدانه به شکل مثبت و معنی دار ($R=0/28$) و سبک والدگری مقتدر-منطقی به شکل منفی و معنی دار ($R=0/33$) با کلیشه‌های جنسیتی که مردان علیه زنان به کار می‌برند رابطه دارد؛ اما در رابطه بین سبک والدگری سهل‌گیر با این کلیشه‌ها رابطه‌ای دیده نشد. مطابق با یافته‌ها، سبک والدگری مادران عامل نسبتاً مطلوبی برای پیش‌بینی نگرش‌ها و پیش‌داوری های مردان نسبت به زنان در آینده است.	
نوع مقاله: مقاله پژوهشی		واژگان کلیدی: اقتدار والدینی مادران، پیش داوری، مردان.	
حوزه موضوعی: خانواده و ارتباطات		نویسنده مسئول: شرمین نصیرخانی	
رایانامه: shermin.nasirkhani@yahoo.com		ارکید: 0009-0000-5258-2151	
استناد دهی: بیرامی، منصور، نصیرخانی، شرمین، و معروف صوفیان. امیر. (۱۴۰۴). پیش بینی پیش داوری های مردان نسبت به زنان براساس اقتدار والدینی مادران در دانشجویان. فصلنامه روانشناسی ارتباطات، ۲(۲)، صص. ۱۵-۲۶. https://doi.org/10.82548/ADD8-0H55			
		ناشر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی شاپای الکترونیکی: ۳۰۹۲-۶۴۴۰ ©. The Author(s).	

مقدمه

یکی از هیجان‌هایی که به صورت تکاملی برای انسان ضروری بوده هیجان خشم است، (باس، ۲۰۲۳) که در رفتارهای مختلف این هیجان به صورت‌های گوناگونی نمایان می‌شود. هیجان خشم انسان به صورت کاملاً غیرارادی مطلق نیست بلکه براساس عادت‌ها و مهارت‌های آموخته شده به صورت پرخاشگری انسان دیده می‌شود. پرخاشگری یک رفتار اجتماعی است که برای تأمین منابع و دفاع از خود و خانواده ضروری به نظر می‌رسد. (ابوسعیدی و همکاران، ۱۴۰۲؛ ریچارد و همکاران، ۲۰۲۳)؛ یعنی آنچه منجر به رفتار خشم‌ناک‌آمیز انسانی با اراده آزاد می‌شود، می‌تواند به شکل باورها و قراردادهایی برای فرد ساخته شود (پمنت، ۲۰۱۳). اینکه چقدر فرد بتواند با اراده‌ای آگاهانه پرخاشگری خود را کنترل کند بسته به عوامل بسیاری است (آی، ۲۰۲۵). یکی از انواع پرخاشگری‌های رایج، آزار کلامی است (نیشیمورا و همکاران، ۲۰۲۴) که به صورت پیشداوری‌ها دیده می‌شود (باتلر و همکاران، ۲۰۲۴). این مسائل می‌تواند با تأثیرات اجتماعی و فرهنگی که هر فرد تجربه می‌کند، ترکیب شده و باعث ظهور رفتارهای مختلف از جمله تبعیض جنسیتی گردد.

در دنیای امروز، علی‌رغم تلاش‌های فراوان برای دستیابی به برابری جنسیتی، همچنان تبعیض‌های جنسیتی و کلیشه‌های مرتبط با آن در جوامع وجود دارند. این موضوع بر جنبه‌های بین فردی و شغلی زنان به شکل روزمره تأثیر می‌گذارد. (هیلمن و همکاران، ۲۰۲۴). با وجود افزایش آگاهی عمومی و تلاش‌های سیاست‌گذاران، برابری جنسیتی هنوز به‌طور کامل محقق نشده است (پریاشانثا و همکاران، ۲۰۱۹) و در ۵۰ سال گذشته تغییرات زیادی در مورد وضعیت تحقیقات روانشناختی در مورد سوگیری جنسیتی و وضعیت زنان در محل کار و تحصیل تغییر کرده است (هیلمن و همکاران، ۲۰۲۴)؛ اما تبعیض‌های جنسیتی و کلیشه‌های ناشی از آن همچنان پابرجا هستند و بر زندگی روزمره هر دو جنس تأثیر می‌گذارند. انسان‌ها

در هر زمان و مکانی با کلیشه‌های جنسیتی مواجه می‌شوند و این کلیشه‌ها نه تنها بر عملکرد فردی، بلکه بر روابط اجتماعی آن‌ها نیز تأثیرگذار هستند. یکی از نخستین محیط‌هایی که افراد با کلیشه‌های جنسیتی روبرو می‌شوند، محیط دانشگاهی است؛ دانشجویان با شرایط جدیدی مواجه می‌شوند و نیاز به خودتنظیمی و سازگاری با نیازهای جدید دارند. تحقیقات جدید نشان داده‌اند که رفتارهای مبتنی بر سوگیری جنسیتی، جنسیت‌زدگی و تبعیض در محیط‌های مختلف شغلی، تحصیلی و اجتماعی می‌تواند منجر به استرس بین جنسی، انزوای اجتماعی، اضطراب و افسردگی شود (اسکامیلا و ساسا، ۲۰۲۰؛ نلسون و همکاران، ۲۰۲۳).

تلاش‌ها برای توضیح سوگیری‌هایی که بر فرآیندهای ارزیابی تأثیر می‌گذارند و به‌طور ناعادلانه مانعی برای پیشرفت زنان ایجاد می‌کنند، نظریه‌هایی را به وجود آورده است که کلیشه‌های جنسیتی را به‌عنوان نقش اصلی بازی می‌کنند. (هیلمن، ۲۰۱۲). کلیشه‌های جنسیتی تصورات مشترکی در مورد ویژگی‌های مردان و زنان است که شامل ویژگی‌های شخصیتی، شناختی، فیزیکی، علایق و توانایی‌ها می‌شود (دیکمن و ایگلی، ۲۰۰۰) که متعلق به یک جمع مشخص مانند قومیت، شغل، جنس و... هستند. نکته قابل توجه این است که کلیشه‌های جنسیتی هم جنبه توصیفی و هم جنبه تجویزی دارند (هیلمن، ۲۰۱۲)؛ به عبارت دیگر، این کلیشه‌ها نه تنها نشان می‌دهند که زنان و مردان چگونه هستند (توصیفی)، بلکه شامل دستورالعمل‌هایی در مورد اینکه زنان و مردان چگونه باید باشند (تجویزی) نیز می‌شوند. همچنین کلیشه‌ها می‌توانند عملکردی تطبیقی داشته باشند تا افراد آنچه را که می‌بینند پیش‌بینی و طبقه‌بندی کنند؛ اما متقابلاً می‌توانند ارزیابی‌های نادرستی را نیز القا کنند. این ارزیابی‌های غلط می‌توانند به‌طور منفی یا مثبت بر انتظارات در مورد عملکرد افراد اثر کنند و متقابلاً تصمیم‌گیری‌های وی را تحت تأثیر قرار دهند (هندشل

و همکاران، ۲۰۱۸). برای مثال در دسترس بودن فرصت‌ها برای پیشرفت شغلی زنان همچنان تحت تأثیر منفی کلیشه‌های جنسیتی است که رفتار مدیریتی و دیدگاه‌های شغلی را در محیط کار با انتظارات مردسالارانه شکل می‌دهد (شب و همکاران، ۲۰۱۷). رفتارهای تعصب جنسیتی چه به شکل رفتارهای شخصی، جمعی، پنهان یا آشکار و تأثیرات روانی ناشی از این سوگیری درک شده که شامل اعمال رفتاری شامل رفتارهای توهین آمیز، رفتار ناعادلانه، عدم شناخت بود منجر به عناصر روانشناختی مثل کاهش بهره‌وری، افسردگی، اضطراب و عزت نفس پایین می‌شود (لکچیری و همکاران، ۲۰۱۹).

توضیح دقیقی برای روشن کردن نقش تجارب تحولی، ویژگی‌های فردی، تأثیرات فرهنگی و مکانیزم‌های آسیب‌پذیری در بروز سوگیری در رفتارهای فردی و جمعی وجود دارد. محققان کلیشه‌ها را نتیجه یک اشتباه ذهنی یا ادراک نادرست از یک گروه اجتماعی که ناشی از عوامل مانند تربیت و انگیزه اجتماعی است می‌دانند (هینتون، ۲۰۱۷). سبک فرزندپروری ساختار گسترده‌ای است که نگرش‌ها و رفتارهای پایدار را در مورد تربیت کودک توصیف می‌کند (سمتانا، ۲۰۱۷). بامریند در کارهای اولیه خود سه نوع کنترل والدین را در تربیت فرزند پیشنهاد کرد (مقتدر-منطقی، سهل‌گیرانه و مستبدانه) که بعداً به عنوان الگوها یا سبک‌های اقتدار والدین شناخته شد (بامریند، ۱۹۷۱). این نوع کنترل‌های والدین عموماً با نحوه تنظیم و اجرای قوانین، اعمال قدرت، اعطای استقلال، تشویق به مذاکره کلامی در مورد تصمیم‌گیری‌ها، استفاده از استدلال و تنظیم رفتار کودک از سوی والدین متفاوت است. مطالعات نشان داده‌اند که والدین مستبد فرزندان را پرورش می‌دهند که در دوران تحصیل با مشکلات بین فردی مواجه هستند و در بزرگسالی دچار اختلالات روان‌شناختی می‌گردند (پیرک و همکاران، ۲۰۲۳). این والدین با اعمال محدودیت‌ها و تنبیه‌های سنگین، از فرزندان انتظار دارند که تابع رفتار آن‌ها باشند و کنجکاوی‌ها و عزت نفس آن‌ها را سرکوب می‌کنند؛ ولی در مقابل،

والدین مقتدر و حامی، فرزندان منعطف و اخلاقی پرورش می‌دهند که در بزرگسالی رضایت زناشویی بالایی را تجربه می‌کنند (وو و همکاران، ۲۰۲۱؛ دونگ و همکاران، ۲۰۲۲). کاهش سوگیری‌های شناختی منجر به کاهش تفکرات کلیشه‌ای در سیر شناخت انسان می‌شود. والدینی که ارتباط دموکراتیک‌تری برقرار می‌کنند، به نوجوانان استقلال می‌دهند تا درباره مسائل مربوط به زندگی خود فکر و عمل کنند و جوانان را مرکز آموزش خانواده قرار می‌دهند (بیرامی و همکاران، ۱۴۰۳). از سوی دیگر، سبک والدین سهل‌گیر که فرزند را جدی نمی‌گیرند و محدودیت‌های ناچیزی بر رفتار او اعمال می‌کنند نقش قابل توجهی در ایجاد رفتارهای اجتماعی پیش‌روی فرزند دارد. مادران سهل‌گیر یا مستبد به طور معنی‌داری فرزندان قلدری به جامعه تحویل می‌دهند (لوک و همکاران، ۲۰۱۶) و این امر منجر به تخریب آگاهی هنگام انجام عمل می‌شود.

در نتیجه، در حالی که تحقیقات گسترده‌ای در مورد تأثیر اقتدار والدین بر پیامدهای روانی و اجتماعی مختلف انجام شده است، شکاف قابل توجهی در درک اینکه چگونه این پویایی‌ها به طور خاص بر پیش‌دوری‌های جنسیتی در بین دانشجویان مرد در ایران تأثیر می‌گذارد، وجود دارد. کلیشه‌های جنسیتی در محیط کار باعث سرخوردگی زنان می‌شود و این سرخوردگی از تبعیض‌های جنسیتی ناشی می‌گردد که به ایجاد خشم در زنان منجر می‌شود. در محیط‌های کاری که کلیشه‌های جنسیتی غالب هستند، زنان اغلب با موانع مختلفی مواجه می‌شوند که سبب کاهش انگیزه و احساس سرخوردگی آن‌ها می‌شود. این وضعیت نه تنها می‌تواند تأثیر منفی بر عملکرد شغلی زنان داشته باشد، بلکه می‌تواند به ایجاد خشم و اعتراض در برابر نابرابری‌های جنسیتی منجر شود. این تبعیض‌ها می‌توانند از فرصت‌های شغلی نابرابر تا نادیده گرفته شدن تلاش‌ها و دستاوردهای زنان، تنوع داشته باشند. این پژوهش با بررسی رابطه بین سبک‌های مختلف اقتدار والدین و ایجاد تعصب نسبت به زنان، درصدد پر کردن این شکاف است. با توجه به بافت

فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد ایران، این تحقیق بینش‌های ارزشمندی را در مورد چگونگی شکل‌دهی تأثیرات والدین به نگرش‌های جنسیتی ارائه می‌کند و از این طریق به گفتمان گسترده‌تر در مورد برابری جنسیتی و توسعه اجتماعی در میان جمعیت دانشجوی کمک می‌کند؛ بنابراین، مساله اساسی پژوهش بدین صورت است که اقتدار والدینی در چه حدی قادر به پیش‌بینی پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان در گروه دانشجویان می‌باشد.

روش

هدف این پژوهش، بنیادی و از نوع پژوهش‌های توصیفی - همبستگی بود که به روش تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان پسر دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند و روش نمونه‌گیری پژوهش به روش تصادفی انجام شد. برای انتخاب حجم نمونه از شیوه کلان استفاده شد و با توجه به این روش ۲۰۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد که در این پژوهش با در نظر گرفتن افت آزمودنی‌ها و داده‌های پرت، ۲۲۱ نفر انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss26 استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه اقتدار والدین: این پرسشنامه توسط جان بوری و در سال ۱۹۹۱ تدوین شده است که حاوی ۳۰ سوال است. این پرسشنامه ۳ زیرمقیاس والدگری سهل‌گیر، والدگری مستبدانه و والدگری مقتدر-منطقی دارد که هر کدام از آنها دارای ۱۰ سوال هستند که جهت سنجش اقتدار والدگری استفاده می‌شود. در این ابزار حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۱۰ و ۵۰ است. برگه‌های پدر و مادر به‌جز با اشاره‌های اختصاصی به واژه پدر و مادر یکسان است. نمره گذاری نیز به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای انجام می‌شود که برای گزینه‌های «شدیداً مخالف»، «مخالف»، «بی تفاوت»، «موافق» و «شدیداً موافق» به ترتیب امتیازهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته شده. بوری آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای سبک مقتدر-منطقی ۰/۸۵، سبک مستبدانه ۰/۸۷ و سهل‌گیر

۰/۷۴ بیان کرده است (بوری، ۱۹۹۱). در ایران آلفای کرونباخ این مقیاس را برای سبک مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیر به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۵ و ۰/۸۴ گزارش کردند (اژه‌ای و همکاران، ۱۳۹۰).

پرسشنامه مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی: این ابزار برای نخستین بار توسط رسول زاده اقدم و همکاران (۱۳۹۵) به منظور سنجش مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی طراحی و تدوین شده است. این ابزار دارای ۱۵ سوال و یک مولفه با نمره نهایی استفاده از تصورات قالبی جنسیتی است که بر اساس طیف لیکرت، از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم به نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای نمره گذاری می‌شود. همچنین برای گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «مخالف»، «بی تفاوت»، «ممتنع» و «کاملاً موافق» به ترتیب امتیازهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته شده است که به ارزیابی مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی می‌پردازد. هر چه نمره حاصل شده از این پرسشنامه بالاتر باشد، نشان دهنده این است که فرد در زندگی بیشتر از کلیشه‌های جنسیتی استفاده می‌کند و برعکس، هر چه نمره حاصل شده فرد پایین‌تر باشد، نشان دهنده میزان استفاده کمتری از کلیشه‌های جنسیتی در زندگی فرد خواهد بود. در پژوهش رسول زاده اقدم و همکاران (۱۳۹۵) روایی محتوایی، صوری و ملاکی این پرسشنامه به صورت مناسب گزارش شده است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این پرسشنامه بالای ۰/۷۸ برآورد شده است.

یافته‌ها

نمونه مورد مطالعه شامل ۲۰۶ نفر از دانشجویان مرد دانشگاه تبریز (با میانگین سنی ۲۴/۵ و انحراف معیار ۸/۲۶) در سال ۱۴۰۲ بود. در جدول ۱

آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرها

متغیرهای پژوهش	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سهل‌گیر	۱۳	۳۷	۲۵/۳۵	۴/۴۲	-۰/۰۵	-۰/۳۱
مستبدانه	۱۴	۵۰	۲۷/۸۶	۸/۱۶	۰/۳۲	-۰/۷۶
مقتدر-منطقی	۱۰	۴۸	۳۲/۸۸	۶/۵۶	-۰/۲۷	۰/۳۲
پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان	۱۸	۶۲	۲۹/۴۴	۹/۷۱	۰/۹۷	۰/۳۸

جدول ۱ نتایج شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد، شاخص‌های میانگین و انحراف معیار متغیرها نشانگر پراکندگی مناسب داده‌ها و شاخص‌های چولگی و کشیدگی حاکی از طبیعی بودن توزیع متغیرهای پژوهش هستند.

در جدول ۲ نتایج مربوط به ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش به صورت ضرایب همبستگی ارائه شده است.

مقتدر-منطقی	۰/۳۳**	-۰/۲۵**	۱
پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان	-۰/۰۳	۰/۲۳**	-۰/۱۸**
۱			

متغیرها به ترتیب نباید از ۳ و ۱۰ بیشتر باشد که باتوجه به نتایج جدول ۱، پیش‌فرض نرمال بودن تک متغیری مورد تأیید قرار گرفته است. پیش‌فرض عدم هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین نیز تأیید شد، چون مقادیر عامل تورم واریانس سبک‌های سه گانه اقتدار والدینی سهل‌گیر، مستبدانه و مقتدر-منطقی به ترتیب ۱/۱۸، ۱/۱۲ و ۱/۱۶ بوده و از حد بحرانی کمتر بود؛ مقادیر شاخص تحمل این متغیرها نیز به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۹ و ۰/۸۶ بوده و به حد مطلوب ۱ نزدیک بود. نهایتاً پیش‌فرض استقلال منابع خطا از طریق آزمون دوربین-واتسون ارزیابی شد و با توجه به اینکه مقدار یافته شده (۱/۷۹) از دو حد بحرانی (۱/۵ - ۲/۵) عبور نکرده بود، این پیش‌فرض هم محقق شد؛ فلذا بررسی پیش‌فرض‌های آماری نشان دادند که استفاده از روش رگرسیون چندگانه، برای

بر اساس یافته‌های جدول ۲ رابطه سبک والدینی سهل‌گیر با پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان ($p > 0.05$, $r = -0.03$) از نظر آماری معنادار نیست. درحالی که رابطه سبک والدینی مستبدانه با پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان ($r = 0.22$, $p < 0.01$) مثبت و رابطه سبک والدینی مقتدر-منطقی با پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان ($r = -0.18$, $p < 0.01$) منفی و از نظر آماری معنادار است.

با توجه به نتایج ماتریس همبستگی و در راستای پیش‌بینی پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان براساس سبک‌های اقتدار والدینی مادران از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. با این حال، ابتدا پیش‌فرض‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. بنابر پیشنهاد کلاین (۲۰۱۵) برای بررسی نرمال بودن تک متغیری توزیع داده‌ها، قدر مطلق چولگی و کشیدگی

تحلیل داده‌های پژوهش مانع ندارد. نتایج این تحلیل نیز در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: تحلیل رگرسیون چندگانه هم‌زمان پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان براساس سبک‌های اقتدار والدینی مادران

متغیرهای پیش‌بین	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری	R^2
سبک‌های اقتدار والدینی	رگرسیون	۱۳۳۸/۱۱	۳	۴۴۶/۰۴	۵/۰۱	۰/۰۰۲	
	باقیمانده	۱۸۰۰۲/۶۹	۲۰۲	۸۹/۱۲	-	-	۰/۰۷
	کل	۱۹۳۴۰/۸۰	۲۰۵	-	-	-	

ادامه به منظور تعیین سهم هر یک از سبک‌های اقتدار والدینی در پیش‌بینی پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان، ضرایب رگرسیونی و معناداری این ضرایب محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد پیش‌بینی پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان بر اساس سبک‌های اقتدار والدینی معنادار است و این متغیرها در مجموع ۷ درصد از پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان را پیش‌بینی می‌کنند ($R^2=0/07$ ، $p<0/01$).

جدول ۴: ضرایب استاندارد پیش‌بین تغییرات پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان بر اساس سبک‌های اقتدار والدینی

متغیر	B	خطای استاندارد	Beta	T	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	۲۵/۷۲	۵/۷۳		۴/۴۹	$<0/001$
سهل‌گیر	۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۰۸	۱/۰۲	۰/۳۰۸
مستبدانه	۰/۲۳	۰/۰۹	۰/۲۰	۲/۷۳	۰/۰۰۷
مقتدر-منطقی	-۰/۲۲	۰/۱۰	-۰/۱۶	-۲/۱۸	۰/۰۳۱

مقدار t (-۲/۱۸) قادر است ۱۶٪ از واریانس پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان را به طور منفی و معنادار پیش‌بینی کند ($p<0/05$). با این حال سبک والدینی سهل‌گیر قادر به پیش‌بینی معنادار پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان نیست ($p>0/05$).

مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد سبک والدینی مستبدانه با ضریب بتای استاندارد (۰/۲۰) و مقدار t (۲/۷۳) قادر است ۲۰٪ از واریانس پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان را به طور مثبت و معنادار پیش‌بینی کند ($p<0/01$). همچنین سبک والدینی مقتدر-منطقی با ضریب بتای استاندارد (-۰/۱۶) و

بحث و نتیجه‌گیری

معناداری دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات وو و همکاران، (۲۰۲۱) و دونگ و همکاران، (۲۰۲۲)، هنشل و همکاران، (۲۰۱۸) و شب و همکاران (۲۰۱۷) همسو است. مطابق با یافته‌های آماری پژوهش، نتایج حاکی از آن است که وقتی مادران درجه بالایی از استبداد را در سبک فرزندپروری خود از خود نشان می‌دهند، پسرانشان بیشتر احتمال دارد دیدگاه‌های کلیشه‌ای در مورد زنان داشته باشند.

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان براساس اقتدار والدینی مادران در دانشجویان بود. این پژوهش تلاش کرد تا تأثیر نوع و میزان اقتدار یک مادر را بر نگرش‌ها و باورهای جنسیتی مردان جوان بررسی کند و چگونگی تأثیر این عوامل بر رفتارها و اجتماع انسانی را تحلیل کند. نتایج نشان داد که سبک والدینی مستبدانه با پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان رابطه مثبت و

فرزندپروری مستبدانه که با قوانین و انتظارات سفت و سخت مشخص می‌شود، ممکن است به طور ناخواسته نقش‌ها و سلسله‌مراتب جنسیتی سنتی را تقویت کند. این عمل همواره می‌تواند به درونی‌سازی این کلیشه‌ها منجر شود و پسران شخصیت‌های مستبد سفت و سخت‌گیر را به‌عنوان الگوهای برای تقلید در روابط دیگر، از جمله ادراکات و تعاملات آن‌ها با زنان درک کنند. در نتیجه، این مردان ممکن است زنان را از دریچه هنجارهای جنسیتی سنتی و اغلب محدودکننده ببینند. این یافته‌ها با نتایج تحقیق همسو است. این دیدگاه‌های کلیشه‌ای و تقویت نقش‌ها و سلسله‌مراتب جنسیتی سنتی، می‌تواند تأثیرات منفی بر محیط کار و تحصیل زنان داشته باشد. در محیط‌های تحصیلی، این نگرش‌های مستبدانه ممکن است باعث کاهش فرصت‌های برابر برای زنان شود و آن‌ها را از دستیابی به پتانسیل کامل خود باز دارد. دیدگاه‌های کلیشه‌ای در مورد زنان می‌تواند باعث شود که آن‌ها به عنوان ناتوان‌تر یا کمتر شایسته در نظر گرفته شوند که این می‌تواند منجر به تبعیض و نابرابری‌های بیشتر در فرصت‌های تحصیلی شود.

در یافته دیگر این تحقیق نیز دیده شد که سبک والدینی مقتدر - منطقی با پیش‌داوری‌های مردان نسبت به زنان رابطه منفی و معناداری دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات با پژوهش‌های پیرک و همکاران (۲۰۲۳)، بامریند (۱۹۶۸، ۱۹۷۱) همسو است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت هر چه مادران نسبت به فرزندان خود منطقی‌تر باشند، مردان در بزرگسالی نسبت به زنان کمتر کلیشه‌ای دارند. این یافته نشان می‌دهد که وقتی مادران رویکردی منطقی برای فرزندپروری اتخاذ می‌کنند - که با استدلال منطقی، ارتباط باز و تعاملات حمایتی مشخص می‌شود - پسرانشان تمایل دارند که باورهای کلیشه‌ای کمتری در مورد زنان داشته باشند. فرزندپروری منطقی احتمالاً تفکر انتقادی را تشویق می‌کند و محیطی را پرورش می‌دهد که در آن به کودکان آموزش داده می‌شود که تعصبات و کلیشه‌ها

را زیر سوال ببرند. در نتیجه، این مردان بیشتر زنان را به‌عنوان فردی فارغ از کلیشه‌های سنتی می‌بینند و بر اساس ویژگی‌ها و مشارکت‌های اجتماعی منحصر به فردشان با آن‌ها درگیر می‌شوند. این رویکرد برابری جنسیتی و احترام متقابل را ترویج می‌کند و درنهایت از شیوع تعصبات علیه زنان می‌کاهد.

این پژوهش محدودیت‌هایی مانند انتخاب جامعه آماری دانشجویی و استفاده از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها داشته است. پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی جامعه آماری گسترده‌تری را شامل شوند و از ابزارهای متنوعی نظیر مصاحبه برای دستیابی به داده‌های عمیق‌تر استفاده کنند، زیرا برداشت‌های محقق از رابطه والد-فرزندی یا نگرش افراد نسبت به جنسیت می‌تواند اطلاعات غنی‌تری ارائه دهد. به‌طور عملی، توصیه می‌شود افرادی که درگیر رشد روانی-اجتماعی نوجوانان و جوانان هستند، به‌ویژه خانواده‌ها، تأثیر جهت‌گیری‌های ناشی از هنجارهای رایج را با دقت بررسی کنند. برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی برای والدین، معلمان و مربیان درباره اهمیت رشد روانی-اجتماعی، ایجاد برنامه‌های گروهی و فعالیت‌های اجتماعی برای تقویت روابط سالم بین دو جنس و همکاری با دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی برای استفاده از نتایج در برنامه‌ریزی‌های عملی، از جمله اقدامات پیشنهادی است. همچنین، ترویج فرهنگ گفتگو و احترام متقابل در خانواده‌ها و جوامع می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی هنجارهای رایج و تقویت رشد روانی-اجتماعی سالم کمک کند.

محدودیت‌های اولیه این پژوهش شامل انتخاب جامعه آماری دانشجویی و استفاده از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها بوده است. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که مطالعات آتی جامعه آماری گسترده‌تری را دربرگیرند و از ابزارهای متنوعی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کنند، چون برداشت‌های محقق از رابطه والد-فرزندی و یا نگرش افراد نسبت به جنسیت انسان‌ها به‌وسیله مصاحبه می‌تواند داده‌های غنی‌تر و عمیق‌تری برای آنالیز یافته‌ها به دست آورد. بر اساس

نتایج در برنامه‌ریزی‌های عملی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی نوجوانان و جوانان کمک کند. در نهایت، ترویج فرهنگ گفتگو و احترام متقابل در خانواده‌ها و جوامع می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی هنجارهای رایج و تقویت رشد روانی-اجتماعی سالم کمک کند.

تشکر و قدردانی

از تمام شرکت کنندگان که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند کمال تشکر را داریم.

یافته‌ها، به‌طور عملی توصیه می‌شود افرادی که درگیر رشد روانی-اجتماعی نوجوانان و جوانان هستند، به‌ویژه بنیادهای خانواده، تأثیر جهت‌گیری‌های ناشی از هنجارهای رایج را با دقت مورد توجه قرار دهند. برای مثال برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی برای والدین، معلمان و مربیان درباره اهمیت رشد روانی-اجتماعی و چگونگی تأثیر هنجارهای اجتماعی، ایجاد برنامه‌های گروهی و فعالیت‌های اجتماعی که به تقویت روابط سالم بین هر دو جنس کمک کند و همکاری با دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی برای انجام تحقیقات مشترک و استفاده از

منابع

(۱۴۰۳). نقش میانجی سبک‌های هویت در ارتباط میان شیوه‌های والدگری ادراک شده و تصورات قالبی جنسیتی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی. 14(54), 99-112. [doi: 10.22034/spr.2024.431978.189](https://doi.org/10.22034/spr.2024.431978.189)

۴- رسول زاده اقدم، صمد؛ عدلی پور، صمد و کوهی، خدیجه. (۱۳۹۵). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با هویت بازاندیشانه، فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱۱(۲): ۹۵-۱۲۲.

۱- ابوسعیدی جیرفتی سهیل، معروف صوفیان امیر، نعمتی سوگلی تپه فاطمه و هاشمی نصرت آباد تورج. نقش میانجی تنظیم هیجان ناسازگار در رابطه بین صفات تاریک شخصیت با پرخاشگری سایبری رویش روان شناسی ۱۴۰۳؛ ۱۳ (۵): ۶۶-۵۷

<http://frooyesh.ir/article-1-5118-fa.html>

۲- اژه ای، جواد، غلامعلی لواسانی، مسعود، مال احمدی، احسان و خضری آذر، هیمن. (۱۳۹۰). الگوی علی روابط بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی. مجله روانشناسی، ۱۵(۳) (پیاپی ۵۹)، ۲۸۴-۳۰۱.

۳- بیرامی، منصور، معروف صوفیان، امیر، ابوسعیدی جیرفتی، سهیل و بخشی پور رودسری، عباس.

References

Butler, N. Quigg, Z. Wilson, C. McCoy, E. & Bates, R. (2024). The Mentors in Violence Prevention programme: impact on students' knowledge and attitudes related to violence, prejudice, and abuse, and willingness to intervene as a bystander in secondary schools in England. BMC public health, 24(1), 729

Diekman, A. B. & Eagly, A. H. (2000). Stereotypes as dynamic constructs: Women and men of the past, present, and future. *Personality and social psychology bulletin*, 26(10), 1171-1188.

Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4(1, Pt.2), 1-103. <https://doi.org/10.1037/h0030372>

Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of personality assessment*, 57(1), 110-119. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5701_13

Buss, D. M. (2023). Sexual violence laws: Policy implications of psychological sex differences. *Evolution and Human Behavior*, 44(3), 278-283

- workplace gender-bias and psychological impact: The case of women in a Moroccan higher education institution. *European Journal of Training and Development*, 43(3/4), 339-353
<https://doi.org/10.1108/EJTD-09-2018-0088>
- Luk, J. W. Patock-Peckham, J. A. Medina, M. Terrell, N. Belton, D. & King, K. M. (2016). Bullying perpetration and victimization as externalizing and internalizing pathways: A retrospective study linking parenting styles and self-esteem to depression, alcohol use, and alcohol-related problems. *Substance Use & Misuse*, 51(1), 113-125.
<https://doi.org/10.3109/10826084.2015.1090453>
- Nelson, T. Brown, M. J. Garcia-Rodriguez, I. & Moreno, O. (2023). Gendered racism, anxiety, and depression: the mediating roles of gendered racialized stress and social isolation. *Ethnicity & Health*, 28(1), 12-28
<https://doi.org/10.1080/13557858.2021.2002826>
- Nishimura, Y. Matsumoto, S. Sasaki, T. & Kubo, T. (2024). Impacts of workplace verbal aggression classified via text mining on workers' mental health. *Occupational medicine*, 74(2), 186-192
- Pemment, J. (2013). Psychopathy versus sociopathy: Why the distinction has become crucial. *Aggression and Violent Behavior*, 18(5), 458-461
- Pirc, T. Pecjak, S. Podlesek, A. & Štim, M. (2023). Perceived Parenting Styles and Emotional Control as Predictors of Peer Bullying Involvement. *International Electronic Journal of Elementary Education*, 15(4), 333-342
<https://www.iejee.com/index.php/IEJEE/article/view/1994>
- Priyashantha, H. Quintáns, A. P. Baixauli, R. & Vidanarachchi, J. K. (2019). Type
<https://doi.org/10.1177/0146167200262001>
- Dong, S. Dong, Q. & Chen, H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict, and marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of affective disorders*, 299, 682-690
<https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.12.079>
- Escamilla, S. & Saasa, S. (2020). Gendered patterns in depression and anxiety among african immigrants in the United States. *Journal of Evidence-Based Social Work*, 17(4), 392-405
<https://doi.org/10.1080/26408066.2020.1748153>
- Heilman, M. E. (2012). Gender stereotypes and workplace bias. *Research in organizational Behavior*, 32, 113-135.
<https://doi.org/10.1016/j.riob.2012.11.003>
- Heilman, M. E. Caleo, S. & Manzi, F. (2024). Women at work: pathways from gender stereotypes to gender bias and discrimination. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, 11(1), 165-192. <https://doi.org/10.1146/annurev-orgpsych-110721-034105>
- Hentschel, T. Braun, S. Peus, C. & Frey, D. (2018). The communality-bonus effect for male transformational leaders—leadership style, gender, and promotability. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 27(1), 112-125
<https://doi.org/10.1080/1359432X.2017.1402759>
- Hinton, P. (2017). Implicit stereotypes and the predictive brain: cognition and culture in “biased” person perception. *Palgrave Communications*, 3(1), 1-9
<https://doi.org/10.1057/palcomms.2017.86>
- Lekchiri, S. Crowder, C. Schnerre, A. & Eversole, B. A. (2019). Perceived

parenting and subjective well-being. *Journal of Adult Development*, 28, 106-115.
<https://doi.org/10.1007/s10804-020-09357-x>

of starter culture influences on structural and sensorial properties of low protein fermented gels. *Journal of texture studies*, 50(6), 482-492.
<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/jtxs.12449>

Smetana, J. G. (2017). Current research on parenting styles, dimensions, and beliefs. *Current opinion in psychology*, 15, 19-25.
<https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2017.02.012>

Richard, Y. Tazi, N. Frydecka, D. Hamid, M. S. & Moustafa, A. A. (2023). A systematic review of neural, cognitive, and clinical studies of anger and aggression. *Current psychology*, 42(20), 17174-17186.
<https://link.springer.com/article/10.1007/s12144-022-03143-6>

Schwab, K. Samans, R. Zahidi, S. Leopold, T. A. Ratcheva, V. Hausmann, R. & Tyson, L. D. (2017, November). The global gender gap report 2017. World Economic Forum.

Wu, C. W. Chen, W. W. & Jen, C. H. (2021). Emotional intelligence and cognitive flexibility in the relationship between